



15 جولای 2017

داکتر سید عبدالله کاظم

بررسی تحلیلی و تاریخی معاهده آب دریای هلمند بین افغانستان و ایران (بخش پنجم)

ادامه مبحث چهارم

حکمت مکماهون: معضله تعیین سرحد و تقسیم آب

3 - مختصری درباره کلونل مکماهون:

نام مکمل او Colonel Sir Arthur Henry McMahon است که در سال 1862 در برتانیای متولد و بعد از ختم تحصیلات در کالج نظامی سلطنتی لندن شامل خدمت در اردوی هند برتانوی شد، در 1890 وارد اداره سیاسی هندوستان گردید و در 1893 به حیث افسر نظامی در ماموریت دیورند به کابل اعزام شد. او دوسال را در سرحدات جنوب افغانستان کار کرد و حدود 800 میل سرحد افغانستان و ایران را از دریای گومل تا کوه ملک سیاه پیاده طی و در ادامه خط دیورند آن قسمت ها را علامه گذاری کرد و در سال 1903 تا 1905 به ریاست هیئت حکمت بین ایران و افغانستان در سیستان توظیف شد. وی بر علاوه حل مسایل سرحدی بین دوکشور و ابراز حکمت در زمینه، یکی از محققان مشهور در معرفی جنبه های مختلف سیستان بشمار میرود و گزارش او در پنج جلد تهیه شد که سه جلد آن مربوط گزارش هیئت حکمت در مورد "عایدات" سیستان است و دو جلد دیگر آن به موضوع آبیاری آنجا اختصاص دارد. علاوه بر مقاله او راجع به اوضاع طبیعی سیستان یک مأخذ مهم تحقیقی محسوب میشوند. بعد از ختم وظیفه حکمت به او نشان امپراتوری هندوستان اعطا شد و در سالهای 1911 تا 1913 موصوف وزیر خارجه هند برتانوی بود و با دریافت نشان های پرافتخار دیگر نایل آمد و پس از یک ماموریت کوتاه در مصر از 1920 به بعد به امور تشریفاتی سوق داده شد و از طرف دربار انگلیس به دریافت لقب "سر" (Sir) مفتخر گردید. تا آنکه بتاريخ 29 دسمبر 1949 بعمر 87 سالگی درگذشت. (سیستانی: "سرگذشت سیستان...، صفحه 145 و 146؛ بحواله: حشمت احمدی: "جغرافیای تاریخی سیستان"، بحث مکماهون)

4 - سفر هیئت مکماهون به سیستان:

چنانکه گفته شد، به اثر درخواست دولت ایران جهت حل معضله سرحدی و تعیین حق آبه از رود هلمند بین ایران و افغانستان دولت انگلستان در اواخر سال 1902 م کمیسار انگلیسی مکماهون را که قبلاً هم در تعیین سرحدات جنوبی افغانستان کار کرده بود، مأمور این وظیفه ساخت. هیئت معیتی برای انجام این وظیفه جمعاً به تعداد تخمین 1500 نفر میرسید که مشتمل بود بر: 11 افسر انگلیسی، تعداد زیاد افراد مسلح، متخصصین آبیاری، 200 نفر پیاده نظام و 60 سواره نظام و مقدار زیاد

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلئ. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاډونه: دلېکنډي د ليکنيزي بڼې پاډوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څير و لولئ

وسایل و تجهیزات همراه به خدمه آن که با 200 اشتر انتقال می یافت. آنها در اوایل جنوری 1903 از کویته حرکت کردند و پس از شش هفته طی مسافت دشوار گذار در دشت ها و کوه های خشک در محل "خواجه علی" در کنار دریای هلمند به سیستان رسیدند و در آنجا با کمیسارهای افغانی و ایرانی ملاقات کردند که هر یک با تعدادی از محافظان نظامی خود به آنجا آمده بودند. تصادفاً مکماهون کار خود را برای تعیین سرحد از محلی بنام کوه ملک سیاه آغاز کرد که در همین محل چندی قبل ماموریت خود را جهت تعیین سرحدات جنوبی افغانستان در امتداد خط دیورند به پایان رسانیده بود.

مکماهون مدت یکماه در کنار دریای هلمند (که به تاسی از متون قدیمه ایرانی آنرا "هیرمند" یاد میکنند) به گردش و جمع آوری معلومات پرداخت و با اعمار یک پل مؤقت از دریای هلمند عبور کرد و وارد خاک ایران شد. در جنوب دریا 90 میل راه دشوارگذار بیابان بی آب و علف بود و ساحه شمال خط سرحدی سیل گیر و نیزار و آبزا که نصب علامات سرحدی (پیلر) ها را دشوار می ساخت و اما بیست میل دیگر آنرا اراضی پست و بلند و خشک کوه سیاه تشکیل میداد. برای تعیین سرحد تصمیم گرفته شد که مجرای قدیمی دریای هلمند بنام سرحد جدید حفظ شود و سرحد فعلی که پس از تغییر میسر دریا به وجود آمده بود، از اعتبار ساقط گردد و اساس این نظر همان تائید مجدد حکمیت گولد سمید در سال (1872) بود.

وظیفه اول مکماهون: تعیین حد فاصل سرحد بین افغانستان و ایران:

1 - اقدامات اولیه و اختلاف نظرها در زمینه:

اگرچه در تعیین سرحد مقامات عالییه سه کشور یعنی شاهان افغانستان، ایران و برتانیه قبلاً حکمیت گولد سمید را به رسمیت شناخته بودند و امیرحبیب الله سراج المله نیز به کارداران خود، مخصوصاً آخذزاده فقیر محمد خان حاکم چخانسور- شخصی که با ایرانی ها در مورد حدود سرحدی پس از تغییر مسیر دریای هلمند سخت در نزاع بود، اکیداً امر کرده بود که آن قسمت زمین متنازع فیه ارزش برخوردار با ایران را ندارد و به حکمیت گولد سمید باید قناعت شود، اما آخذزاده بازهم بر بعضی مسایل در حکمیت سرحدی با مکماهون توافق نداشت. مکماهون به استناد توافق امیر افغانستان، طوریکه خودش می خواست، به علامه گذاری حدود سرحدی پرداخت و در نقاط لازم علایم و نشانه ها (پیلرها) را نصب کرد.

قبل از اینکه به علامه گذاری نقاط سرحدی برطبق نظر مکماهون پرداخته شود، توجه را به قسمتی از یک متن مهم منتشره سراج التوارخ (جلد چهارم - بخش دوم) تحت عنوان فرعی "ملاقات کارکنان این دولت با افسران کمسیون دولت انگلیس" جلب میدارم که عمق انتقاد آخذزاده فقیرمحمد را در موضوع آشکار می سازد. علامه فیض محمد کاتب چنین می نویسد: «آخذزاده فقیرمحمد خان با محمد موسی خان برخلاف مرسوم که باید قونسل انگلیس پس از پیام دادن در خیمه ایشان به بازدید می آمد، درخیمه مکماهون رفتند و باهم نشستند و دربین صحبت و حکایت دوستانه سخن از نقشه و حدود درمیان آمده، مکماهون نقشه جدیدی ای را که خلاف نقشه جنرال گولد سمید و سیدنورمحمدشاه خان صدراعظم عهد امیرشیرعلی خان مرحوم بود، ظاهر نموده درمیان آورد که پیمانۀ یک انچ آن مسافت یک میل را نشان میداد؛ و از بند کهک تا نادعلی و کنگ دژ و دیه [قریه] عید و دیه دوست محمد و غیره دیهات و قریه جات واقع هردو ساحل هیرمند را به وضاحت می نمود و از دیه دوست محمد تا موضع کرکو و رود عاشقان و پده و قرمزی و ریگ موی و تخت شاه و شلغمی را تا منتهای نیزار

د پانوی شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی

واقع دشت قریب لاش و جوین و اراضی سلیمان واقع لاش و جوین تحدید و تعیین کرده دارا بود و هنوز تکمیل نیافته بود، به آخذزاده فقیرمحمدخان و محمد موسی خان بنمود و آخذزاده از مشاهده این نقشه مجده گفت: حدودی که تا آخر نیزار مشخص و معین شده اند، خیلی خوب و مطابق مطلوب است، لیکن با نقشه جنرال گولد سمید که خط فاصل را راست کشیده و از عرصه سی سال قبل از این حدود دیه عید و دیه دوست محمد، یعنی شیله شمشیری تا کوه سیاه واقع متصل جبال نهندان برده است، مطابق ندارد. حال آنکه نقشه و خط مستقیم مذکور را شاه ایران و پادشاه انگلیس و امیر افغانستان موقع صحت داده و منظور و امضاء کرده و دستخط نهاده اند، که اینک آن نقشه حاضر و موجود است.» (صفحه 438)

«کرنیل مکماهون از این سخنان با دلیل و برهان آخذزاده زبان به گفتار کشوده گفت: دو برادر که متروکات پدر خود را قسمت می کنند، باید بطوری تقسیم نمایند که پس از مرور ایام و شهور و اعوام، نزاع و جدال در بین ایشان واقع نشود و بنای افساد نیامده منجر به کینه و عناد نشود و حصه هرکدام به تصرف خودش علی الدوام بماند. هرگاه شما در زمین نوآباد سیستانیان مداخلت و قصد ملکیت بکنید، هرآنینه دولت ایران ترک مجادله و مقاتله نخواهد کرد، زیرا دولت روس محرک بر قتال و جدال است و چون کار دولتین افغانستان و ایران برحسب تمنا و اقتضای دولت روس منجر به محاربت شود، ضرور دولت ایران از دولت روس یاری و مدگاری خواهد جست و او نظر به منویات و مقتضیات خود به معاونت خواهد برخواست و جنگ بین الدولی در میان واقع خواهد شد [منظور او از این مطلب آن بود که با مداخله روس آنها نیز مجبور به مداخله خواهند شد]. پس من نظر به سوء عاقبت و وخامت این مواد ضاره متعنه، چنین اندیشیده و مصلحت دیده، پسندیده ام که برسر این قدر زمین اندک که شما ادعای حقیقت را نسبت به خود دارید و خود را مالک آن می شمارید و احتمال نزاع و نقار خاطر دولتین، بل دول در آن متصور و مضر است، بایست نزاع و حرب و جدل به روی روز نیاید.» (صفحه 439)

فیض محمد کاتب در ادامه می نویسد: «آخذزاده از این اظهار کرنیل متحیر و متحسر و متأسف گشته گفت: می بایست از سیستانیان به موجب قانون بین دولی پرسیده می شد که چرا و از کجا از حکم و امضای سه پادشاه سربزیر زده از حد خود متجاوز و در خاک افغانستان متصرف آمده اند.» او گفت: «باری توقع ما آنست که نقشه جنرال گولد سمید که سی سال منظور رأی سه پادشاه شده است، در تحت نظر دقت گرفته شود و برطبق آن خط فاصل معین گردد تا حق بمن له الحق برسد... از محارب و مقابله کسی خوف و باک نداریم و ما را همین قدر کافی است که گفته شود خط فاصل این است و بس. و پس از این نفسی کشیده و از مکماهون پرسید: سیستانیان که در اراضی متنازع فیها مداخلت کرده و آنرا از خود می دانند، به کدام حجت و برهان استحقاق خود را ثابت می کنند؟ و شما که خود را دوست دولت افغانستان می گوئید و افغانستان را حصار آهنین برای حراست هندوستان می شمارید، باید از آنان طالب نقشه و حجت شوید و به محض ادعا و گفتار اکتفا نکنید!» (صفحه 439)

مکماهون از سیستانیان طلب نقشه کرد و آنها از رویت نقشه رسمی عاجز آمدند و به این اساس زبان آخذزاده تیزتر شد و مؤلف سراج التواریخ در ادامه چنین می نویسد: «دولت انگلیس در عالم وداد و اتحاد، مذاکرات سرحدیه افغانستان را مواد محرقة سوداویة سواد هندوستان پنداشته، قطع اجزای جسم افغانستان را باعث دفع اضرار آكله [آنچه قابل خوردن است] هند انگاشته، به هر که دلش خواست قطعه قطعه بریده عطا کرد؛ چنانچه از تحدید حدود سیستان و چخانسور و تعیین حدود هرات که

کرنیل رجوی و غیره از پیش با دولت روس [سازش] نمودند، مفهوم قارئین این تاریخ و معلوم مبصرین جهان خواهد گشت.» (برای شرح مزید و ادامه موضوع دیده شود: سراج التواریخ، جلد چهارم - بخش دوم، صفحات 437 تا 441)

علامه فیض محمد کاتب بار دیگر به موضوع تعیین سرحد به وسیله کرنیل مکماهون می نویسد که ضمن دیدار مجدد مکماهون با آخندزاده فقیر محمد خان و محمد موسی خان کمیساران افغان در محل بند کهک «مکماهون به ایشان گفت: بیش از این تاب درنگ و توان توقف و تعطیل نیست. باید از کوه ملک سیاه تا بند کهک شروع در نصب علایم فاصله نمود و مطابق نقشه گولد اسمید که نزاعی در آن نیست، تحدید و تعیین حدود کرد و این را گفته دست به کار برد و دو نفر مساح و مهندس را با چند تن بابو [اصطلاح هندی] یعنی نویسنده و نقشه کش جانب کوه ملک سیاه امر راه سپردن نمود و خود در قفای ایشان به عزم برافراختن علایم فاصله راه برگرفته، از افغانی و ایرانی کسی را با خود نبرد و آخندزاده فقیر محمد خان و محمد موسی خان ماجرا را معروض داشته برنگاشتند [موضوع را مکتوبی به امیر نگاشتند] که: "مکماهون پس از مراجعت از کوه ملک سیاه معطل نکرده، از بند کهک رو به شمال دست به کار نصب علایم فاصل خواهد برد و از آنجا خط فاصل را جانب کوه نهبندان خواهد کشید و این حدود موضعی اند که با نقشه گولد سمید تفاوت دارند"؛ مکماهون به آخندزاده بعداً اطلاع داد که: «چون در روزی سی هزار روپیه خرج کمسیون در شمار می آید، اگر چنانچه شروع در کار تعیین خط فاصل و علایم فاصله نشود، از دولت انگلیس به کمسیون خرج داده نمیشود، زیرا ویسرای امر نموده است که به زودی کار انجام شود. پس شما یا در نصب علایم و تعیین خط فاصل با ما موافقت کنید و یا نوشته بدهید که حکمیت انگلیس را قبول نداریم و آخندزاده با محمد موسی خان در حیرت افتاد از حضور سررشته و دستور خواستند و حضرت والا [امیر حبیب الله خان] حدود نمودن مکماهون را منظور فرمود.» (سراج التواریخ، جلد چهارم - بخش دوم...، صفحه 649)

به همین ترتیب مکماهون در مدت دو سال و سه ماه اقامت خود در سیستان موفق شد بروفق میل و هدایت مقامات انگلیسی وظیفه محوله را در مورد تعیین خط فاصل سرحدی بین ایران و افغانستان در ساحه سیستان به پایان رساند و به گفته ای "باب چیرول" «اعزام کمسیون مکماهون به سیستان درست به موقع مناسب و لازم بود که منافع ما را در یک سرزمینی که آنجا رقبای ما تصمیم دارند آن منافع را از بین ببرند، حفظ کرده نگهداری کنند.» (سیستانی (صفحه 152)، به حواله محمود محمود: "تاریخ روابط ایران و انگلیس در قرن 19"، جلد 7، صفحه 1945)

2 - نتیجه حکمیت مکماهون و نصب علایم سرحدی:

مهندس محمدعلی مخبر در کتاب "مرزهای ایران" می نویسد که: «به تاریخ 26 ذیقعد 1323 قمری مطابق اول فیروزی 1905م علامات سرحدی از قلّه کوه ملک سیاه تا سیاه کوه به طول 282 کیلومتر تحت نظر مکماهون انگلیس به شرح زیر نصب گردید: خط سرحدی از بلندترین قلّه کوه ملک سیاه که نقطه مشترک سرحدات افغانستان، ایران و بلوچستان به علامت شماره "1" واقع است، شروع و از روی دامنه شمالی کوه مزبور به خط مستقیم تا علامت "51" پس از مقداری سیر در وسط رود مزبور از میان علامت "52" و "53" وارد مجرای نادعلی [این نادعلی مربوط سیستان است] شده، خط وسط رود را تا علامت "54" واقع در ساحل راست مجرای نامبرده طی کرده؛ از علامت "55" واقع در ساحل چپ مجرای نادعلی شده خط وسط تا لوتک "دیوالک" مجرای اخیر را می پیماید تا

د پانو شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

علامت "62" مرز با طی علامت "63" و "64" مستقیماً به تپه طلائى یعنی علامت "66" و از آنجا با طی علامت "67" مستقیماً به تپه کُرکی خط مرزی بسمت شمال غربی منحرف شده با عبور از علامت "69" واقع در اراضی نیزار مستقیماً به نقطه یی موسوم به شلغمی علامت "70" امتداد می یابد و از شلغمی مرز به خط مستقیم با طی علایم شماره "71، 72، 73..." و عبور از دریاچه هامون سابوری به سیاه کوه که محل علامت شماره "95" و آخرین نقطه حکمیت مکماهون است، ختم میشود. نا گفته نماند که این علامات از گل و سنگ و چون و هم بعضی از آجر [خشت پخته] ساخته شده است.» (سیستانی .. صفحه 157، بحواله مهندس علی محمد مخیر: "مرزهای ایران"، طبع 1330ش، صفحه 31)

(ادامه دارد)

د پانو شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ